

غزل شماره ۱

آلایا ایها السّاقی ادر کاساً و ناولها
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

به بوی نافه ای کاخر صبا زان طره بکشید
ز تابِ جعدِ مشکینش چه خون افتاد در دلها

مراد مترلِ جانان چه امنِ عیش، چون هر دم
جرّسِ فریاد می دارد که بر بندید محلها

به می سجاده رنگین کن گرت پیرمغان کوید
که سالک بی خبر بُود ز راه و رسم منزل ما

شب تاریک ویم موج و گردابی چنین مایل
کجا داند حال ماسکباران ساحل ما؟

همه کارم ز خود کامی به بدنامی کشید آخر
نهان کی ماند آن رازی کز و سازند محفل ما؟

حضور یگر همی خواهی از او غایب شو حافظ
مَشِی مَاتَلَقَ مَنْ تَهْوَى دَعِ الدُّنْيَا وَآهْلِهَا

تفسیر فال

مشکلات شما به زودی به گونه‌ای حل خواهد شد که می‌توانید به نیت و آرزوهای خودتان دست یابید. در این مسیر، پس از عبور از تاریکی و غم‌ها، روشنایی و امیدی در انتظار شماست که نویدبخش روزهای بهتر است. بنابراین، خود را برای دستیابی به کارهایی که می‌خواهید انجام دهید، آماده سازید. با توکل بر خداوند متعال و پیروی از اصول دینداری و ارزش‌های اخلاقی، می‌توانید به آرزوها و خواسته‌های قلبی خود برسید. همچنین توصیه می‌شود که رازها و نیات قلبی‌تان را نزد کسی فاش نکنید؛ زیرا این امر ممکن است موجب حواس‌پرتی یا عدم تمرکز بر هدف‌های‌تان شود. از این رو، حفظ رازها نه تنها نشانه‌ای از حکمت است بلکه خلاقیت شما را نیز در جهت رسیدن به موفقیت تقویت خواهد کرد.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)